

Article Type: Applied \Case Study

نوع مقاله: کاربردی / مطالعه موردی

Effect of Hydropolitics Relations on the Nation-Building Process, Case Study: Rogun Dam Superstructure in Tajikistan

A. Rashidi Nejad^{1*}, M. Kaviani Rad², A. Motaghi Handnahi²

1,2- Ph.D and Associate Professor, Department of Political Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

*(Corresponding Author Email: a_rashidin@yahoo.com)

Received: 18-05-2020

Accepted: 07-09-2020

تأثیر مناسبات هیدروپلیتیک بر فرایند ملت‌سازی: نمونه پژوهی ابرسازه سد راغون در تاجیکستان

احمد رشیدی نژاد^{۱*}، مراد کاویانی راد^۲، افشین متقی دستنایی^۲

۱ و ۲- به ترتیب دانش آموخته دکتری و دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

*(نویسنده‌ی مسئول، (E-Mail: a_rashidin@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۱۷

Abstract

The pursuit and construction of superstructures by the rulers has a special place in the process of nation Building of many countries. In post-Soviet countries, rulers have sought to politically manage space and maintain social influence and control over the past two decades to demonstrate their legitimacy by building large water-based infrastructures. The Rogun Dam in Tajikistan is a superstructure on the Vakhsh River, which if built at 335 meters, is the highest dam in the world, providing the country's energy self-sufficiency. By presenting a geopolitical conception of national progress and pride, these identities have been able to play a role in the emergence and empowerment of nationalist discourse in this country. The present article is based on the hypothesis that the symbolic meaning of the Rogun Dam in the geopolitical code nationalization process is to explain the Tajik government's insistence over the past two decades to complete this costly and tense plan with neighboring countries. The information required for the research is collected by the library method and the methodology governing the text is descriptive-analytical in nature. The results showed that the idea of building the Rogun Dam enables Tajik political elites to divert people's attention from internal challenges, promising them a better future, arousing a sense of national pride and increasing their legitimacy, the country's survival and guarantee the government. Uzbekistan's opposition to the construction of the Rogun Dam could also be used as a kind of hydro political confrontation to strengthen national solidarity against the Uzbek enemy. Because those who challenge its construction are the enemy of the nation.

Keywords: Hydropolitic, Nation Building, Symbol, Tajikistan, Rogun Dam.

چکیده

پیگیری و ساخت ابرسازه‌ها توسط حاکمان، جایگاه ویژه‌ای در فرایند ملت‌سازی بسیاری از کشورها داشته است. در کشورهای پسا شوروی، حاکمان برای نمایاندن مشروعیت خود، طی دو دهه گذشته از راه ایجاد زیرساخت‌های کلان آب‌پایه، در پی مدیریت سیاسی فضا و حفظ نفوذ و کنترل اجتماعی بوده‌اند. سد راغون در تاجیکستان ابرسازه‌ای روی رودخانه وخش است، در صورت انجام با بلندی ۳۳۵ متر، افزون بر اینکه بلندترین سد جهان است، زمینه خودکفایی انرژی این کشور را فراهم می‌کند. شناسه‌های یاد شده با ارائه تصویری ژئوپلیتیک از پیشرفت و سرفرازی ملی، توانسته در پیدایش و تواناسازی گفتمان ملی‌گرایانه در این کشور نقش بیافریند. مقاله حاضر بر این فرضیه استوار است که معنای نمادین سد راغون در فرایند ملت‌سازی کدی ژئوپلیتیک برای توضیح پافشاری دولت تاجیکستان طی دو دهه گذشته برای به فرجام‌رسانی این طرح پرهزینه و تنش‌زا با کشورهای همسایه است. اطلاعات مورد نیاز پژوهش به روش کتابخانه‌ای گردآوری و روش‌شناسی حاکم بر متن ماهیتی توصیفی-تحلیلی دارد. نتیجه پژوهش نشان داد ایده ساخت سد راغون، نخبگان سیاسی تاجیک را قادر می‌سازد با انحراف توجه مردم از چالش‌های درونی، آینده بهتری را برای آنها نوید داده و با برانگیختن حس غرور ملی و افزودن بر مشروعیت خود، بقای کشور و حکومت را تضمین نمایند. همچنین مخالفت ازبکستان با ساخت سد راغون می‌تواند به‌عنوان نوعی هم‌واردی هیدروپلیتیک در راستای تقویت همبستگی ملی در برابر دشمن ازبک مورد بهره‌برداری قرار گیرد. زیرا کسانی که ساخت آن را به چالش می‌کشند، دشمن ملت هستند.

واژه‌های کلیدی: هیدروپلیتیک، ملت‌سازی، نماد، تاجیکستان و سد راغون.

از ملت نقش مهمی در فروپاشی شوروی داشته باشد، ایجاد و شکل‌گیری هویت‌های ملی در دولت‌های جانشین را به همراه خواهد داشت.

۲- فسادی که در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بر جای مانده است، پدیده‌ای به نام «ملل اختراع شده» به وجود آورد، که در آن ناسیونالیسم پیش از تشکیل کشورها، شکل گرفت. تناقض اصلی این است که کشورهای آسیای مرکزی طی دوران اتحاد شوروی ساخته شدند، اما استقلال آنها در نتیجه به پایان آمدن دوران شوروی به وجود آمد. زیرا «استالین»^۴ دیگر نمی‌توانست در جایگاه "پدر ملت" باشد. بنابراین حاکمان آسیای مرکزی وادار شدند گذشته و پیشینه خود را دوباره ارزیابی و بازسازی کنند. از این‌رو، همان‌گونه که کمونیسم دیگر نمی‌توانست بنیاد مشروعیت دولت‌های ملی را فراهم نماید، رهبران کمونیست پیشین برای افزایش مشروعیت اقتدار کسب شده خود، به موضوع ناسیونالیسم روی آوردند (Menga, ۲۰۱۵).

ساخت یک سد بزرگ، به‌عنوان یک «ابزار هیدروپلیتیک» می‌تواند با ساخت هویت ملی یک ملت هم‌پوشانی داشته باشد. بنابراین پژوهش حاضر روند ساخت سد راغون در تاجیکستان، را بررسی کرده و در پی پاسخ به این سوال تأثیر مناسبات هیدروپلیتیک بر فرایند ملت‌سازی می‌باشد. لذا با تمرکز بر کارکرد مناسبات هیدروپلیتیک بر فرایند ملت‌سازی، بر دو بعد داخلی و بیرونی این سد (راغون) متمرکز شده است. لازم به ذکر است، این دو بعد، یعنی نماد موفقیت و پیشرفت داخلی و نماد هویت، هم‌آوردی و جدایی‌گزینی بیرونی، درهم تنیده شده‌اند.

روش تحقیق

مقاله حاضر ماهیتی توصیفی-تحلیلی دارد و داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز آن به روش کتابخانه‌ای (کتاب، نشریات و اینترنت) گردآوری شده است. همچنین با بررسی وضعیت عملی احداث سد راغون بر روی رودخانه وخش، تأثیر مناسبات هیدروپلیتیک بر فرایند ملت‌سازی را بررسی می‌نماید. لذا با تمرکز بر ابعاد مناسبات داخلی و خارجی این سد؛ یعنی نماد موفقیت و پیشرفت داخلی و نماد هویت، هم‌آوردی و جدایی‌گزینی بیرونی، درهم‌تنیدگی این ابعاد را در فرایند ملت‌سازی، مورد توجه قرار داده است.

مبانی نظری

• ملت و ملت‌سازی

مفاهیم اولیه، «ملت» را به‌عنوان گروه یا نژادی خاص از مردمی تعریف می‌کنند که زبان، تاریخ، سنت، فرهنگ و گاهی

پیوستگی آب و قدرت اجتماعی گویای آن است که چگونه نخبگان سیاسی حاکم از راه ایجاد زیرساخت‌های کلان آب‌پایه می‌توانند نفوذ و کنترل اجتماعی خود را حفظ و افزایش دهند. با این حال، تاکنون درباره چگونگی بهره‌گیری نخبگان حاکم از ارزش نمادین یک طرح کلان آب‌پایه برای آفرینش و گسترش ایده خود از ملت و نیز مشروع‌نمایی قدرت خود، پژوهش‌های اندکی انجام پذیرفته است. در این راستا، به نظر فضای ملت‌های پسا شوروی، محیطی مناسب برای درک بهتر این استراتژی است. به‌طوری‌که، محققانی که در مورد فضای پسا شوروی به ویژه فضای آسیای مرکزی پژوهش می‌کنند، نمونه‌های خاصی از چگونگی استفاده از زبان‌ها، گفتمان‌ها و نمادها توسط نخبگان حاکم برای ایجاد معانی، تعریف ملت‌ها و ایجاد ایدئولوژی‌ها، ارائه می‌دهند. نمونه‌هایی همچون سد راغون در تاجیکستان که افزون بر مقاصد عملی، ظاهراً اهدافی دیگر را نیز پی می‌گیرند (Menga, ۲۰۱۵).

«راغون»^۱ سدی بزرگ بر روی رودخانه «وخش»^۲ است و در صورت فرجام با ارتفاع ۳۳۵ متر، بلندترین سد جهان خواهد بود. این سد پس از بلندترین میله پرچم در جهان که در سال ۲۰۱۱ میلادی به‌عنوان نماد ملی و وطن‌پرستی در تاجیکستان برافراشته شد، به‌عنوان دومین رکورد جهانی برای این کشور ثبت خواهد شد. معنای نمادین سد راغون، کلیدی برای توضیح پافشاری دولت تاجیکستان طی بیست سال گذشته برای تحقق پروژه‌ای است که با وجود قدیمی و پرهزینه بودن، تیرگی روابط این کشور با همسایگان، به‌ویژه ازبکستان را موجب شده است. برای اینکه شهروندان و جامعه بین‌المللی را متقاعد نمایند که راغون دستاور مهمی برای کشور است، ایده‌ای ایجاد شده است که می‌توان آن را «ایدئولوژی سد راغون» نامید (Menga, ۲۰۱۵). از آنجاییکه راغون به‌عنوان نماد میهن‌پرستی و سرافرازی نگریسته می‌شود، مقامات تاجیک می‌خواهند که این سد بلندترین سد جهان باشد. همان‌گونه که چند سال پیش بزرگ‌ترین کتابخانه آسیای مرکزی در این کشور توسط «امام‌علی رحمان»^۳ رئیس‌جمهور این کشور گشایش یافت (Parshin, ۲۰۱۲).

به دو دلیل آسیای مرکزی محیط مناسبی برای نشان دادن این است، که چرا نماد یک سد، توسط نخبگان به‌عنوان یک ایدئولوژی ملی استفاده می‌شود. ۱- تاکنون هیچ کشوری به اندازه اتحاد جماهیر شوروی با پشتیبانی، تصویب و حتی نهادینه‌سازی (در برخی موارد) برای ایجاد ملیت در سطح نیمه دولتی نکوشیده است (منظور جمهوری‌های درون شوروی). در صورتی‌که هیچ گامی برای نهادینه کردن آن در سطح دولتی به‌عنوان یک کل برداشته نشده است. از این‌رو، چنانچه تعریف نهادینه شده‌ای

مستقل یا کشور تاثیر می‌گذارند، می‌توان در قالب دو الگو مطالعه کرد: الگوی نخست بر «عوامل برون‌زا و درون‌زا» و الگوی دوم بر «عوامل روبنایی و زیربنایی» استوار هستند. در الگوی نخست، عواملی مانند استعمار، تهدیدهای خارجی و هم‌اوردی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی ماهیتی برون‌زا دارند و عواملی همچون تاریخ مشترک، وحدت سرزمینی، فرهنگ مشترک، دین و مذهب، زبان، قومیت، نژاد، ناسیونالیسم و ... درون‌زا هستند. در الگوی دوم عواملی مانند موقعیت، وحدت سرزمینی، فرهنگ مشترک، تاریخ، زبان، دین و مذهب، قومیت و نژاد، ماهیت بنیادی دارند و عواملی مانند ناسیونالیسم، ساختار سیاسی فضا، تهدیدات بیرونی، استعمار، ایدئولوژی سیاسی، نمادهای ملی، قدرت دولت مرکزی، ساختار ارتباطی، رقابت قدرت‌ها و غیره کارکرد روبنایی دارند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱).

در قالب الگوی دوم، "نشانه‌ها" و "نمادها" به‌عنوان عوامل روبنایی در روند پیدایش و پایداری ملت و دولت می‌توانند نقش‌آفرینی نمایند (شکل ۱). قدرتی که سبب می‌شود، معادل آنچه از طریق توان (فیزیکی و اقتصادی)، به‌دست می‌آید به واسطه پیامدهای خاص قدرت نمادین، کسب شود. "قدرت نمادین" قدرت تشکیل داده‌ها است که از راه بیان (سخن) باعث می‌شود مردم ببینند، بشنوند و بپذیرند. شناخت اهمیت قدرت نمادین می‌تواند به فهم این واقعیت کمک کند که چگونه نمادها در اینجا سدهای بزرگ، به‌عنوان ابزاری هیدروپلیتیک، به‌وسیله نخبگان سیاسی برای ایجاد ایدئولوژی و مشروعیت بخشیدن به اقدامات خود، افزایش محبوبیت و حفظ قدرت استفاده شوند (Menga، ۲۰۱۵).

در میانه اواخر سده نوزدهم تا دهه ۱۹۷۰، نخستین مأموریت هیدرولیک سدها برای کنترل طبیعت و تسلط بر صحراها در سراسر جهان آغاز شد و برخی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پروژه‌های سد در سراسر جهان اجرایی و در داخل و خارج کشورها نمادین شدند. برای نمونه سد «ماراتون» بزرگ‌ترین دستاورد یونان پس از «پارتون» و سد بزرگ «ه‌وور» در نوادا از این دست به شمار می‌روند. همچنین در سال ۱۹۵۴، در مراسم گشایش سد بلند «باکرا»، «جواهر لعل نهرو» نخست وزیر هند، سدها را به‌عنوان معابد هند مدرن توصیف کرد. در مصر (زمان عبدالناصر)، سد بزرگ «آسوان» که در سال ۱۹۷۱ با پشتیبانی شوروی به پایان رسید، به نقطه کانونی ملت‌سازی این کشور پس از جنگ تبدیل شد. به عبارتی ساخت سد، نه تنها برای ایجاد سامانه‌های آبیاری و برق آبی بلکه برای ساخت دولت‌های ملی بود. از این رو، طرفداران سد بلند آسوان به‌عنوان میهن‌پرست تلقی شدند و آن‌هایی که از سد انتقاد می‌کردند به‌عنوان خرابکار و حتی خائن نشان داده می‌شدند (Menga، ۲۰۱۵).

دین مشترک دارند. برخی میان یک «ملت قومی» که به ساختار اجتماعی یا نژادی وابسته است و یک «ملت مدنی» مبتنی بر هویت مشترک و وفاداری به طیف وسیعی از ایده‌ها و افکار، نهادهای سیاسی و پیوند دادن شهروندی با ملیت، تفاوت قائل می‌شوند (Shakdam، ۲۰۱۸).

امروزه ملت به مجموعه‌ای از افراد ساکن در فضای جغرافیایی مشخص و محدود از منظر سیاسی گفته می‌شود که بر پایه عوامل و خصیصه‌هایی مانند تبار و تاریخ، فرهنگ، دین، مذهب، سرزمین، قومیت، زبان و غیره نسبت به یکدیگر احساس همبستگی و همانندی می‌کنند و خود را متعلق به یک «ما» می‌دانند. به‌طوری‌که هر ملت با وجود پذیرفتن تقسیمات درونی و تمایز میان گروه‌هایش، هویتی فراتر و فراگیرتر دارد که همه اجزای درونی آن را در بر می‌گیرد. این هویت تا زمانی‌که ارزش‌های مشترک آن درخشندگی دارند و در میان اجزاء واحدهای درونی پذیرفته شده و مقبولیت عام داشته باشد، به‌طوری‌که موجب عزت و افتخار افراد ملت را فراهم آورد، از اعتبار و پایداری برخوردار است. درغیراین صورت بخش‌هایی از ملت که چنین احساسی ندارند، در جریان فرایند «واگرایی» به بازیابی هویت جدید ملی هدایت می‌شوند. هویتی که عمدتاً منطبق بر خصیصه‌های مشترک آنها است. چنین فرآیندهایی در دو دهه گذشته و پس از فروپاشی نظام دو قطبی جهان مشاهده می‌شود. هویت‌های ملی کلان از هم پاشید و هویت‌های جزئی‌تر، استقلال یافتند. گروه‌های قومی پیشین به سطح ملت مستقل با هویت ملی جدید ارتقا یافتند و توانستند دولت‌های جدیدی را در جغرافیای سیاسی جهان بیافرینند. تشکیل پانزده ملت و دولت جدید از تجزیه شوروی، شواهد روشنی بر این مدعا هستند. برعکس، اجزاء یک ملت یک‌دست و همگن، پس از حذف نیروهای مسلط بیرونی و خارج از حوزه‌های ملی که عامل گسست و تجزیه بوده‌اند، دوباره به هم می‌پیوندند و به هویت مشترک پیشین باز می‌گردند؛ اتحاد دو آلمان و دو یمن نمونه روشنی از این فرایند در دهه اخیر است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱).

براین‌اساس، ملت مفهومی ذهنی است که تحقق آن در جهان خارج، منوط به تعهد مستمر عامه مردم به حفظ آن است. هرگاه مردم به حفظ این معنی متعهد باشند، ملت باقی می‌ماند و با عزم مردم به انصراف از آن، این معنی بی‌درنگ فرو می‌پاشد و جوهره وجود خویش را از دست می‌دهد (طاهری‌عطار، ۱۳۹۲). این امر در صورتی محقق خواهد شد که دولت با تبلیغ ضرورت پیدایش یا اندیشه سیاسی خود، تابعیت مردم نواحی مختلف کشور را جلب و هویت ملی کشور را شکل دهد. در این باره، نیروها و عواملی که بر فرایند ملت‌سازی، تشکیل و بقای دولت

است. همان‌گونه که بارش در حوضه دریای آرال بسیار کم است، این رواناب‌ها به صورت کلی از ذوب برف و یخچال‌های طبیعی کوهستانی کشورهای بالادست تولید می‌شود (امیراحمدیان و ناصری، ۱۳۹۲).



شکل ۲- موقعیت کشورهای آسیای مرکزی نسبت به رودهای آمودریا و سیردریا

در مورد «جیحون»، بیشترین سهم تولید آب، با حدود ۸۰ درصد حجم کل آب، متعلق به تاجیکستان است و این در حالی است که، ترکمنستان و ازبکستان با وجود تولید حدود ۴ و ۶ درصد، بیشترین میزان استفاده از آب را دارند. این دو کشور به ترتیب ۳۸ و ۴۸ درصد از آب را مصرف می‌کنند و تاجیکستان فقط ۱۵ درصد از حجم آب را مصرف می‌کند. در مورد «سیحون» نیز وضعیت به همین منوال است. با این تفاوت که در سیحون قزاقستان جای ترکمنستان را می‌گیرد. قرقیزستان نزدیک به ۷۴ درصد از آب این رودخانه را تأمین می‌کند، اما مصرف این کشور کمتر از یک درصد حجم کل آب است. در حالی که، ازبکستان ۵۰ درصد و قزاقستان ۴۲ درصد از آب این رودخانه را به خود اختصاص داده‌اند (درخور و همکاران، ۱۳۹۲). لازم به ذکر است، منابع مختلف، درصدهای مختلفی را عنوان کرده‌اند.

جدول ۱- سهم هر یک از کشورهای حوضه از تأمین آب رودهای

آمودریا و سیردریا (کولایی و سلطانی، ۱۳۹۲)		حوضه رودخانه کشور
سیردریا	آمودریا	
(کیلومترمکعب در سال)		
۴/۵۰	-	قزاقستان
۲۷/۴	۱/۹۰	قرقیزستان
۱/۱	۶۲/۹	تاجیکستان
-	۲/۷۸	ترکمنستان
۴/۱۴	۴/۷۰	ازبکستان
-	۶/۱۸	افغانستان



شکل ۱- تأثیر مناسبات هیدروپلیتیک بر فرایند ملت‌سازی

• هیدروپلیتیک

هیدروپلیتیک گرایشی از جغرافیای سیاسی است که درهم‌تنیدگی مناسبات قدرت با اندرکنش‌های جوامع و واحدهای سیاسی- فضایی بر سر منابع آب شیرین از مقیاس محلی تا جهانی را مطالعه می‌کند (کاوایی‌راد، ۱۳۹۸). از این رو، هرگونه مناسبات قدرت که در پیوند با آب در هر مقیاسی که نمود بیابد در قالب دانش‌واژه هیدروپلیتیک بررسی و واکاوی می‌شود. به طوری که هیدروپلیتیک به عنوان یکی از رشته‌های جغرافیای سیاسی که کارکرد آب را در مناسبات قدرت در قالب رویکردهای مختلف همکاری، هم‌اوردی، تنش و جنگ کنشگران سیاسی و واحدهای سیاسی- فضایی را بررسی می‌کند (کاوایی‌راد، ۱۳۹۷).

• موقعیت هیدرولوژی آسیای مرکزی

آسیای مرکزی از منظر منابع طبیعی غنی و ذخایر بزرگی از زغال سنگ، گاز، نفت و آب دارد. اما مرزبندی‌های سیاسی، توزیع متوازنی از این منابع در سطح منطقه ایجاد نکرده است. به طوری که در خصوص منابع آبی موجود، با وجود اینکه بسیاری از زمین‌های کشاورزی در قلمرو قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان قرار دارند اما سرچشمه آب مورد نیاز این زمین‌ها بیشتر از مرزهای قرقیزستان و تاجیکستان روان است. به عبارتی ساده‌تر، پتانسیل کشاورزی کشورهای ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان، به شدت به توانش آبی تاجیکستان و قرقیزستان وابسته است (شکل ۳). در این قلمرو (آسیای مرکزی) آب مورد نیاز، بیشتر از دو رود مهم و پر آب «آمودریا» و «سیردریا» فراهم می‌شود، از کوهستان‌های «هندوکش» و «پامیر» سرچشمه می‌گیرند (شکل ۲). کشورهای تاجیکستان و قرقیزستان در بالادست این رودها و جمهوری‌های ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان در پایین‌دست این رودها قرار دارند (امیراحمدیان و ناصری، ۱۳۹۲). رودخانه آمودریا با جریان متوسط سالانه نزدیک به ۷۸ میلیارد مترمکعب (۶۸ درصد کل حوضه)، از تاجیکستان و افغانستان سرچشمه گرفته و بین ازبکستان و ترکمنستان جریان یافته و به دریاچه آرال می‌ریزد. میانگین جریان سالانه رودخانه سیردریا نزدیک به ۳۷ میلیارد مترمکعب است (۳۲ درصد کل حوضه)، که بیشتر از قرقیزستان سرچشمه گرفته و از بین ازبکستان و قزاقستان جریان یافته، به دریای آرال می‌ریزد (شکل ۲). مجموعه جریان آبی سالانه هر دو رود، برابر حدود ۱۱۶ میلیارد مترمکعب

• وضعیت هیدروپلیتیک آسیای مرکزی

در دوره اتحاد جماهیر شوروی، در یک اقتصاد ملی، منابع و محصولات تولیدی در فرایندی یکپارچه بین جمهوری‌ها توزیع می‌شد (امیراحمدیان و ناصری، ۱۳۹۲)، در این دوره به منطقه آسیای مرکزی وظیفه تولید مواد خام و کشاورزی و به‌ویژه کشت پنبه واگذار شد (صالح آبادی، ۱۳۹۳). برنامه اتحاد جماهیر شوروی برای به زیر کشت بردن زمین‌های بی‌حاصل آسیای مرکزی، در دهه ۱۹۶۰م آغاز شد. به دنبال آن، آسیای مرکزی به‌ویژه «دره فرغانه» که در میان سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان گسترده است، به یکی از بزرگترین تولیدکنندگان پنبه جهان تبدیل شد. به همین واسطه یکپارچه‌سازی سامانه آبیاری کل منطقه در سطح کلان آغاز و دو رود مهم منطقه، یعنی آموردیا و سیردریا برای آبیاری این مزارع تقریباً به‌طور کامل از مسیر خود منحرف شدند (امیراحمدیان و ناصری، ۱۳۹۲). به این‌منظور چندین سد بر مسیر این دو رود و شاخه‌های اصلی آن بنا شد که به‌طور مشخص طرح ساخت سه سد «راغون»، «نورک» و «سنگ توده» در تاجیکستان، میراث این دوران است. به عبارتی مسکو اختلاف‌ها را حل می‌کرد. این گردش کار و تقسیم وظیفه در چارچوب اقتصاد ملی اتحاد شوروی پاسخگو بود. زیرا هم دولت مرکزی اقتدار داشت، هم جمعیت کمتر بود و هم مسائل به شکل امروزی وجود نداشت. به همین سبب بیشتر مسائل و بحران آب از اواخر دوره اتحاد شوروی که هر یک از جمهوری‌ها استقلال خود را اعلام و از دایره تقسیم کار اقتصادی اتحاد شوروی بیرون شدند، بروز کرد (امیراحمدیان و ناصری، ۱۳۹۲).

با فروپاشی شوروی سامانه کنترل مرکزی جریان آب در منطقه نیز از میان رفت و استفاده از آب که در گذشته مسئله‌ای داخلی به شمار می‌آمد به موضوعی بین‌المللی و مورد مناقشه میان این کشورها تبدیل شد که هر یک بر حاکمیت بر منابع سرزمینی خود تأکید می‌کنند (رضایی اسکندری، ۱۳۸۹). در «نظام اشتراک انرژی شوروی» کشورهای پایین‌دست رودخانه، «امنیت غذایی» و کشورهای بالای رودخانه «امنیت انرژی» داشتند. در غیر این صورت یک طرف در زمستان یخ می‌زد و طرف دیگر غذایی برای خوردن نداشت. تا چند سال پس از فروپاشی شوروی هنوز هم این سامانه کار می‌کرد، اما کشورهای ثروتمند پایین رودخانه، فروش برق و گاز به کشورهای خارجی را، سودآورتر از مبادله تهاتری با کشورهای همسایه دانستند. از این‌رو، ازبکستان از سال ۲۰۰۹ فروش برق به افغانستان را آغاز کرد و به‌طور کلی تجهیزات را از آسیای مرکزی بیرون کشید. این بدان معنا بود که کشورهای بالادستی، از نظر انرژی فقیر بودند و باید این بهای منابع انرژی را بپردازند. در حالی که کشورهای بالادست فاقد منابع مالی کافی، برای خرید این منابع هستند. بنابراین تاجیکستان و قرقیزستان به فکر استفاده بیشتر از ذخایر آبی‌شان افتادند. بنابراین به ایجاد

طرح‌هایی برای نیروگاه‌های برق آبی روی آوردند و اقدامات دیگری برای جلوگیری از کمبود انرژی در زمستان انجام دادند (kleingeld, ۲۰۱۶).

• پروژه ساخت سد راغون

در نوامبر ۲۰۱۸، نخستین توربین نیروگاهی تولید برق، بر روی بلندترین سد آبی جهان در تاجیکستان گشایش یافت (Euronews, ۲۰۱۸). این سد یکی از سه طرح برق آبی پیشنهادی روی رودخانه وخش و از سرشاخه‌های اصلی رودخانه آموردیا است. در دهه ۱۹۶۰ اتحاد جماهیر شوروی طرح ساخت سه سد راغون، نورک و سنگ توده را در انداخت. دومین در سال ۱۹۷۲ و سومین در سال ۲۰۰۸ به کار افتادند. اما پروژه راغون همچنان نهایی نشده است. نورک که ۷۰ کیلومتر پائین‌تر از سد راغون قرار دارد به بلندی ۳۰۰ متر و قدرت ۳ هزار مگاوات، دومین سد بلند جهان است. راغون به‌عنوان بلندترین سد جهان، ساختار دو منظوره‌ای برای مدیریت آبیاری و برق آبی شامل یک سازه بلند ۳۳۵ متری، مخزنی با حجم ۱۳/۳ کیلومترمکعب و شش دستگاه توربین است و قرار است تا ده سال آینده در مجموع ۳۶۰۰ مگاوات برق تولید کند (Schmidt, ۲۰۰۷). ساخت این نیروگاه در دوران اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۸۲) آغاز و با وجود این که دو سوم آن تکمیل شده بود، با سرنگونی شوروی در ۱۹۹۱ متوقف ماند. مهم‌ترین بخش آن نیز توسط سیل در سال ۱۹۹۳ ویران شد (Yerofeyeva, ۲۰۰۲). این سیل به همراه مدیریت نامناسب ناشی از جنگ داخلی (از ۵ می ۱۹۹۲ تا ۲۷ ژوئن ۱۹۹۷)، بسیاری از ساختار موجود را نابود و دو دهه کوشش و سرمایه‌گذاری ۸۰۰ میلیون دلاری را نافرجام گذاشت (Fradchuk, ۲۰۱۰).

در پی یافتن سرمایه‌گذار جدید برای ادامه‌ی اجرای پروژه، رئیس جمهور تاجیکستان در سال ۲۰۰۴، متوجه مسکو شد. میان تاجیکستان و روسیه درباره بنیاد این نیروگاه توافق ایجاد شد و هزینه ساخت آن بیش از دو میلیارد دلار برآورد شد. هدف شرکت روسی «روسال» تولید برق برای گسترش کارخانه ذوب آلومینیوم راغون بود (کولایی و سلطانی، ۱۳۹۲). با این وجود، پس از چند سال، در سال ۲۰۰۷ روسال و تاجیکستان نتوانستند درباره ارتفاع سد توافق کنند. روسال ارتفاع ۲۸۵ متر را توصیه کرد اما دولت تاجیکستان تصمیم گرفت تا به طرح ساخت سد ۳۳۵ متری بپردازد و همکاری خود را با روسال پایان دهد (Kleingeld, ۲۰۱۶).

زمستان سال‌های ۹-۲۰۰۸، و کمبود شدید برق در این کشور، باعث شد که ساخت سد حتی اولویت بیشتری نسبت به گذشته برای دولت تاجیکستان ایجاد نماید (Parshin, ۲۰۰۸). بحران زمستان ۲۰۰۹ تاجیکستان نشانه کوچکی از این واقعیت بود که خدمات شبکه مشترک آب و انرژی میان پنج جمهوری سابق

سهام خریداری کند تا ۶۰۰ میلیون دلار لازم برای شروع ساخت راغون فراهم شود. در حالی که برای بیشتر مردم تاجیکستان این مبلغ از درآمد سالانه آن‌ها هم تجاوز می‌کند (Marat, ۲۰۱۰). به این ترتیب از ۴/۱ میلیارد دلار مورد نظر، شهروندانی که چاره‌ای جز خرید اوراق قرضه نداشتند، ۱۸۴ میلیون (کمتر از ۱۰ درصد مبلغ مورد نیاز) ارائه کردند. در نهایت در تابستان ۲۰۱۶ دولت تاجیکستان با شرکت ایتالیای «سالینا ایمپریلو» قرارداد چند میلیارد دلاری احداث راغون را امضا کرد و بر پایه توافقنامه ساختمان اساسی نیروگاه راغون را مرحله به مرحله، ادامه خواهد داد. ارزش قرار داد سه میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار است (www.diplomaticsquare.com)، که براساس نقشه فاز اول، چرخه اول نیروگاه آخر سال ۲۰۱۸ و فاز دوم ماه آوریل سال ۲۰۱۹ به بهره‌برداری خواهد رسید.

سهم این بخش در اشتغال ۶۷ درصد است. نزدیک ۸۰ درصد درآمد صادرات این کشور هم از این سه عامل به دست می‌آید. آب مهم‌ترین عامل تولید کالاهای صادراتی، آلومینیوم و پنبه است. صنعت آلومینیوم این کشور حدود ۴۰ درصد کل انرژی برق را مصرف می‌کند (کولایی و سلطانی، ۱۳۹۲). بنابراین تاجیکستان، ساخت سد راغون روی رودخانه وخش را نه تنها به عنوان ابزاری برای امنیت انرژی و رشد اقتصادی می‌شمارد بلکه آرزو دارد این سد به یک صادرکننده برق منطقه‌ای تبدیل شود (skoba, ۲۰۱۳).

از سوی دیگر تحقیقات نشان می‌دهد، پیدایش دولت یا کشور تاجیکستان در دهه ۱۹۲۰ به دگرگونی ژرفی درباره دیدگاه تاجیک‌ها درباره خودشان و ایجاد هویت ملی تاجیکی که پیش از این وجود نداشت، شده است. پیدایش تاجیکستان نتیجه ملی‌گرایی تاجیک‌ها نبود بلکه صرفاً زمان تولد آن رسیده بود (Bergne, ۲۰۰۷)، و این هویت ملی جدید تقریباً بلافاصله با هویت ازبکی برخورد کرده بود و در واقع، ادعاهای دولت‌ها در مورد توطئه مداوم ازبکستان برای تضعیف تاجیکستان و یکپارچگی آن به عنوان یک ملت، باعث ایجاد ملی‌گرایی رو به توسعه در تاجیک‌ها شد (Heathershaw and Herzig, ۲۰۱۳).

همچنین لازم به ذکر است، پیشینه هم‌آوردی میان دو کشور، تنها مربوط به سد راغون و رقابت منطقه‌ای نبوده بلکه اختلافات ارضی و قومی بخشی از میراث شوروی برای این دو ملت است. قرار گرفتن سمرقند و بخارا به عنوان دو کانون مهم تمدنی تاجیکان در قلمرو ازبکستان، زمینه نخستین اختلاف و تنش میان ازبکان و تاجیکان در دوران معاصر است، که نخستین سنگ بنای آن در زمان شوروی گذاشته شد.

شوروی مختل شده است [این کشور به طور جدی‌تر باید به فکر امنیت انرژی خود باشد]. در یک شب یخبندان زمستانی در ژانویه ۲۰۰۹ قطع برق به طور فاجعه باری بخش‌هایی از دوشنبه پایتخت تاجیکستان را در تاریکی فرو برد. بنابراین پس از لغو قرار داد روسال، دولت برای انجام این پروژه به حمایت کامل داخلی چشم دوخت. به دنبال راه‌حل جدید، در سال ۲۰۱۰، حکومت شروع به فروش اوراق قرضه به مردم کرد. رئیس جمهور در نطق سالانه‌اش از شهروندان شایسته که وطن خود را دوست داشتند، خواست تا نقشی فعال در ساخت سد راغون داشته باشند. وی این موضوع را مسئله "مرگ و زندگی" نامید که می‌تواند استقلال انرژی تاجیکستان را از ازبکستان تضمین کند (Menga, ۲۰۱۵). دولت انتظار داشت، هر فرد بالغ تاجیک، حداقل ۶۹۰ دلار

یافته‌های پژوهش

تاجیکستان به عنوان یکی از ده کشور برتر از منظر منابع بالقوه انرژی برق آبی، به طور طبیعی به دنبال توسعه این بخش است. در حال حاضر نزدیک به ۷۰ درصد از کشور پیوسته کمبود برق دارد (Bologov, ۲۰۱۶). ۹۳ درصد از مساحت این کشور کوهستانی است و از جمله مشکلاتی که این جمهوری با آن روبه‌رو است، کمبود شدید سوخت در نواحی روستایی در فصل زمستان است. ۷۲ درصد جمعیت این کشور در نواحی روستایی زندگی می‌کنند و مردم این مناطق که بیشتر فقیر هستند، ناتوان از پرداخت هزینه‌های مربوط به سوخت هستند (کولایی و سلطانی، ۱۳۹۲). بنابراین، مصرف‌کنندگان روستایی روزانه تنها ۵ تا ۷ ساعت در روز برق دارند. در حالی که امروزه ۹۴ تا ۹۸ درصد از برق تاجیکستان توسط نیروگاه‌های برق آبی تولید می‌شود. با این حال، در زمستان، این نیروگاه‌های برق آبی نمی‌توانند با ظرفیت کامل خود فعالیت کنند. این نیروگاه‌ها در تابستان، برق تولیدی مازاد دارند اما به دلیل ناپایداری، این مازاد هر سال از دست می‌رود (GARCÉS, ۲۰۱۴). به عبارتی چون برق مانند نفت، گاز و یا دیگر سوخت‌های فسیلی قابلیت ذخیره‌سازی (به شکل انبوه) را ندارد، این مازاد تولید بلااستفاده، هدر می‌رود. از این رو، کمبود انرژی، بسیاری از شرکت‌ها را وادار می‌کند که به صورت فصلی کار کنند و مشکلات تأمین گاز طبیعی توسط همسایگان، تعدادی از کارخانه‌های صنعتی مانند شرکت آلومینیوم تاجیک و تالکو را متوقف کرده است (Jafarova, ۲۰۱۴). در حالی که اقتصاد تاجیکستان بر تولید برق آبی، آلومینیوم و پنبه استوار است. کشاورزی ۲۳ درصد تولید ناخالص داخلی را تأمین می‌کند و

تسلط و حاکمیت ازبکان نبود. زیرا سمرقند و بخارا به‌عنوان دو کانون مهم و سنتی فرهنگی، تاریخی و تمدنی تاجیکان از آن زمان تاکنون در قلمرو جمهوری سوسیالیستی ازبکستان قرار داشتند. مهمترین نگرانی تاجیکان، تضعیف و در نهایت نابودی فرهنگ فارسی و تاجیکی در سمرقند و بخارا، به واسطه فرایند ازبکی‌سازی این مناطق است. بر اساس آماری که مردم‌شناسان در اوایل سده بیستم ارائه کردند، تناسب جمعیتی ازبک‌ها به تاجیک‌ها در بخارا، سمرقند و وادی فرغانه سه به هفت می‌باشد (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۷ الف).

• راغون: نماد همبستگی ملی در برابر دشمن خارجی

شواهد نشان می‌دهد، افزایش تقاضا برای آب، با رشد ملی‌گرایی و رقابت میان جمهوری‌های آسیای مرکزی همراه بوده است (کولایی و سلطانی، ۱۳۹۲). رقابتی که در قالب حس میهن‌پرستی و با ابزار هویت ملی دنبال می‌شود. در این باره ظاهراً نمادها نقش مهمی در سیاست تاجیکستان بازی می‌کنند. استفاده از این نمادها نخستین بار در غالب پرچم این کشور گنجانده شد. رنگ‌های پرچم ملی ایران که وارونه شده و رنگ سبز، که رنگ اسلام است (Seth and Roy، ۲۰۰۲). در این فرآیند، به نظر سه عنصر سلطنت سامانیان که نماد استقلال و قدرت تاجیکان است، احیای آیین زرتشت و اسطوره آریایی بودن، محوریت دارند (Blakkisrud and Nozimova، ۲۰۱۰). این مسئله می‌تواند کلید توجیه دولت تاجیکستان طی بیست سال گذشته برای تحقق پروژه‌ای باشد که علاوه بر اینکه قدیمی است و هزینه زیادی از منابع ملی صرف تأمین مالی‌اش شده، منجر به بدتر شدن روابطش با همسایگان به‌ویژه ازبکستان شده است. از این دیدگاه، سد راغون در وهله نخست در گفتمان تاجیکستان قرار گرفته است تا از موقعیت و هویت خود در منطقه دفاع کند. تاجیکستان به وضوح به دنبال تقویت جایگاه خود در منطقه است. درحالی‌که ازبکستان در نظر دارد جایگاهی به‌عنوان «هژمون منطقه‌ای» داشته باشد. به عبارتی برنامه ادامه ساخت سد راغون بر گفتمان دو کشور در این زمینه تأثیر گذاشته است. زیرا این سد تهدیدی برای موقعیت ازبکستان در منطقه است و می‌تواند ابزاری برای تقویت موقعیت تاجیکستان در آسیای مرکزی باشد. ازبکستان به واسطه داشتن مرز مشترک با همه کشورهای این منطقه بر این باور است که باید به ایفای نقش ویژه در این منطقه بپردازد. نقشی که می‌توان آن را به‌عنوان تمایل به تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای تفسیر نمود. ازبکستان بزرگ‌ترین نیروی نظامی در منطقه است و فرض بر این است که می‌خواهد هژمون منطقه‌ای باشد. زمانی‌که تاجیکستان به دلیل رشد اقتصادی و ایجاد وحدت ملی قوی‌تر می‌شود، این مسئله می‌تواند تهدیدی برای موقعیت ازبکستان در منطقه باشد. تاجیکستان بدون سد راغون همچنان

براین اساس، زمانی‌که جمهوری سوسیالیستی ازبکستان شوروی در سال ۱۹۲۴ به‌عنوان یکی از جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی سر برآورد تاجیکان در قالب جمهوری سوسیالیستی خودمختار تاجیکستان شوروی تحت حاکمیت ازبکان قرار گرفتند و این واحد خودمختار بخشی از جمهوری سوسیالیستی ازبکستان شوروی شد. این وضعیت بیش از پنج سال طول کشید و در سال ۱۹۲۹، جمهوری سوسیالیستی تاجیکستان شوروی به‌عنوان یک جمهوری مستقل وارد تقسیمات اتحاد جماهیر شوروی شد. اما این تحول به معنی خروج کامل تاجیکان از

تجزیه و تحلیل

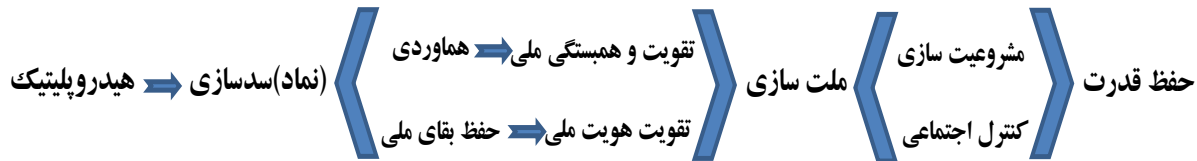
• راغون: نماد میهن‌پرستی و موفقیت داخلی

از این دیدگاه ارزش نمادینی که برخاسته از سد راغون است در سال‌های اخیر محور تولید ایده‌ای شده است که توسط دولت گسترانده می‌شود، تا خود را مشروع جلوه داده، به اجماع رسیده و یکپارچگی ملی ایجاد کند. تأثیر متحدکننده این طرح نمادین در حالی می‌تواند به ایجاد هویت ملی مشترک کمک کند، که به حفظ ریاست جمهوری "رحمان" و حلقه نزدیک‌شان در قدرت نیز کمک می‌کند. چرا که ظاهراً این سد می‌تواند نمادی از خودکفایی و موفقیت ملی باشد. در راستای این دیدگاه، ساخت راغون به عنوان موضوع سربلندی ملی، جهشی اساسی در توسعه ملی، دستاوردی بنیادی برای بقای کشور و در نهایت به عنوان موضوع مرگ و زندگی در نظر گرفته شده است (Parshin، ۲۰۱۲). چرا که آب و تولید برق آبی، نقش مهمی در زندگی و اقتصاد تاجیک‌ها دارد. سهم ۲۳ درصدی بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی، ۶۷ درصدی در اشتغال و ۸۰ درصدی در صادرات، نشان از اهمیت نقش آب و برق آبی برای این کشور دارد.

از طرفی، تاجیکستان، ساخت سد راغون روی رودخانه وخش را نه تنها به عنوان ابزاری برای امنیت انرژی و رشد اقتصادی می‌بیند بلکه آرزو دارد که تبدیل به صادرکننده برق منطقه‌ای شود (skoba، ۲۰۱۳). به گونه‌ای که اگر راغون فرجام بیابد افزون بر اینکه کمبود انرژی تاجیکستان را کاملاً برآورده می‌سازد به این کشور اجازه می‌دهد سالانه حدود ۱۳ میلیارد کیلووات ساعت برق تولید کند. این وضعیت بدین معناست که کشور افزون بر فراهم‌سازی تقاضای داخلی خود، می‌تواند به صادرکننده بزرگ برق در منطقه تبدیل شود (Jafarova، ۲۰۱۴). از این رو، اگر راغون به عنوان نماد میهن‌پرستی و موفقیت نگریسته می‌شود، «رحمان» خواستار آن است که این سد بلندترین سد جهان باشد (Parshin، ۲۰۱۲).

اقتصاد تاجیکستان و در ادامه پروژه راغون، متعهد به پروژه «کاسا ۱۰۰۰» شده است. این پروژه که هدف آن ایجاد یک بازار برق برای آسیای مرکزی و جنوب آسیا است کشورهای قرقیزستان، تاجیکستان، افغانستان و پاکستان را دربرمی‌گیرد (Kleingeld, ۲۰۱۶). طرح انتقال برق کاسا ۱۰۰۰ که توافق مقدماتی آن در «کنفرانس همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای (ریکا)» در سال ۲۰۰۷ صورت گرفت، علاوه بر اینکه مازاد صادرات برق دو کشور تاجیکستان و قرقیزستان را در شش ماه اول سال (یعنی از اوایل اردیبهشت تا نیمه مهرماه) به افغانستان و پاکستان انتقال می‌دهد و به‌صورت تهازری نفت خام افغانستان را به تاجیکستان می‌رساند (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۷ ب)، به واسطه پیوند امنیت انرژی جنوب آسیا به امنیت آسیای مرکزی، موجب تقویت موضع تاجیک‌ها در برابر هژمونی ازبک‌ها خواهد شد. به‌این‌ترتیب در راهبردی که با هدف مشروعیت بخشیدن به قدرت انجام می‌شود، دولت تاجیکستان این سد را به‌عنوان عنصری اصلی در روند ساخت کشور و نماد میهن‌پرستی و هویت ملی به تصویر کشیده است. زیرا این سد هم می‌تواند نمادی از خودکفایی و موفقیت ملی باشد و هم مردم تاجیک را در باره ایده ملی و پایداری در برابر یک دشمن خارجی با هم متحد کند.

به کشورهای دیگر وابسته است و در منطقه بازیگری ضعیف باقی می‌ماند. اما زمانی که موقعیت تاجیکستان در منطقه تقویت شود، ازبکستان تسلط خود بر کشورهای آسیای مرکزی را از دست خواهد داد. براین اساس، سد راغون تهدیدی برای نفوذ ازبکستان بر تاجیکستان در منطقه است. بنابراین برای اینکه تاشکند هویت خود را به‌عنوان هژمون منطقه‌ای توسعه دهد، باید با هرگونه پیشرفتی که به کاهش قدرت منطقه‌ای آن بیانجامد، مقابله کند (Kleingeld, ۲۰۱۶). از طرفی وابستگی انرژی تاجیکستان به ازبکستان یک مشکل برای توسعه اقتصادی این کشور است چرا که این کشور نمی‌تواند در مورد ارسال گاز از ازبکستان اعتماد کند. در این راستا تلاش تاجیک‌ها برای دستیابی به اهدافشان از راه طرح‌های همکاری منطقه‌ای است. این کشور که از نظر اقتصادی ضعیف‌ترین کشور منطقه است که به خاطر موقعیت جغرافیایی خود، وابستگی زیادی به دیگر کشورها دارد، در تلاش است تا از پس فروپاشی شوروی، موجودیت و منافع خود را از این طریق، حفظ کند. افزون بر این، تجربه جنگ و درگیری داخلی، این کشور را به کشوری شکننده مبدل ساخته است. لذا به هر ابتکار همکاری منطقه‌ای می‌پیوندد تا امنیت اقتصادی و نظامی خود را به کمک دیگر کشورها فراهم کند. دولت برای تقویت



شکل ۴- اهداف دولت تاجیک در اجرای پروژه راغون

و نمادها به‌عنوان عوامل روینایی می‌توانند در روند پیدایش و پایداری ملت و بقای کشور نقش بنیادی ایفا کنند و نخبگان حاکم اغلب از آنها برای برانگیختن و بسیج ملت بهره می‌گیرند. این وضعیت در قالب نمادها نقش مهمی در سیاست تاجیکستان دارند. این نمادها نخستین بار در غالب پرچم ملی این کشور استفاده شد. رنگ‌های پرچم ملی ایران که وارونه شده و رنگ سبز، که رنگ اسلام است. به‌این‌ترتیب، استدلال می‌شود، ارزش نمادینی که به واسطه ساخت سد راغون به‌دست آمده در سال‌های اخیر محور تولید ایدئولوژی است و توسط دولت ترویج می‌شود. با ساخت ایدئولوژی سد راغون، نخبگان سیاسی تاجیک قبل از هرگونه هموردی با رقبای منطقه‌ای (ازبکان) درصدد هستند، توجه مردم را از گرفتاری‌ها و چالش‌های ساختاری و جاری کشور منحرف‌کنند، آینده بهتری برای مردم خود نوید داده، با برانگیختن حس موفقیت و غرور ملی، ضمن تقویت هویت ملی و راه بقای کشور و حاکمیت خود را حفظ کنند. از طرفی

نتیجه‌گیری

نیروها و عواملی را که بر فرایند ملت‌سازی، تشکیل و بقای دولت مستقل یا کشور تاثیر می‌گذارند را می‌توان در قالب دو الگوی مطالعه کرد: الگوی نخست بر عوامل برون‌زا و درون‌زا و الگوی دوم بر عوامل روینایی و زیربنایی استوار هستند. در الگوی نخست، عواملی مانند استعمار، تهدیدهای خارجی و هموردی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی ماهیتی برون‌زا دارند و عواملی مانند تاریخ مشترک، وحدت سرزمینی، فرهنگ مشترک، دین و مذهب، زبان، قومیت، نژاد، ناسیونالیسم و ... درون‌زا هستند. در الگوی دوم عواملی مانند موقعیت، وحدت سرزمینی، فرهنگ مشترک، تاریخ، زبان، دین و مذهب، قومیت و نژاد، ماهیت بنیادی دارند و عواملی نظیر ناسیونالیسم، ساختار سیاسی فضا، تهدیدات بیرونی، استعمار، ایدئولوژی سیاسی، نمادهای ملی، قدرت دولت مرکزی، ساختار ارتباطی، رقابت قدرت‌ها و غیره کارکرد روینایی دارند. ازاین‌رو، در قالب الگوی دوم، نشانه‌ها

بنابراین، اگر چه رئیس‌جمهور "رحمان" اغلب اعلام کرده است، دستیابی به استقلال انرژی هدف اصلی سیاست داخلی تاجیکستان برای ساخت این سد است، اما مشخص است ساخت راغون چیزی فراتر از دست یافتن به امنیت انرژی است. سد راغون مانند دیگر زیرساخت‌ها به جای اینکه به عنوان هدف باشند، به ابزاری برای رسیدن به هدف مبدل شده است. بنابراین راغون خلاصه‌ای از جاه‌طلبی‌های رئیس‌جمهور "رحمان" برای ایجاد هویت ملی و دفاع از منافع کشور مستقل خود از راه یک ساختار بزرگ می‌باشد. به عبارتی دولت تاجیک از قدرت نمادین سد نه تنها برای بهره‌مندی از مزایای فیزیکی و اقتصادی استفاده می‌کند، بلکه برای ساختن یک ملت، یک واقعیت خاص و ایجاد نظم اجتماعی مورد نظر خود، استفاده می‌کند.

پی‌نوشت

- 1-Raghun Dam
- 2-Vakhsh River
- 3-Emomali Rahmo
- 4-Joseph Stalin

دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی.
کاوایی‌راد، م. ۱۳۹۸. هیدروپلیتیک: سویه‌ها و رویکردها، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی. چاپ اول. تهران.
کوزه‌گر کالجی، و. ۱۳۹۷ الف. بهبود مناسبات ازبکستان و تاجیکستان؛ آیا خواب دوشنبه و تاشکند تعبیر خواهد شد؟ موسسه مطالعات ایران. www.iras.ir/fa/www.iras.irfa/doc/note/3136
کوزه‌گر کالجی، و. ۱۳۹۷ ب. منافع و ملاحظات کشورهای خارج از طرح انتقال برق کاسا ۱۰۰۰. موسسه مطالعات ایراس. www.iras.ir/fa/doc/article/3671
۲۰۱۸. افتتاح بلندترین سد جهان در تاجیکستان؛ دوشنبه صادرکننده برق می‌شود. خبرگزاری یورونیوز.
<https://per.euronews.com/2018/11/16/high-est-dam-in-the-world-inaugurated-in-tajik-istan-country-to-export-electricity>
Bologov P. 2016. The Rogun Dam: A Source of Division in Central Asia. <https://carnegie.ru/commentary/66334>.
Blakkisrud H. and Shahnoza N. 2010. History writing and nation building in postindependence Tajikistan. Nationalities Papers, 38(2): 173-89.

سد راغون و مخالفت ازبکستان با ساخت آن می‌تواند به عنوان نوعی از هماوردی (رقابت)، برای تقویت تبلیغات ملی‌گرایانه جهت همبستگی ملی در برابر دشمن ازبک بهره‌برداری شود. اگر سد بزرگ نماد ملت باشد، کسانی که ساخت آن را به چالش می‌کشند دشمن ملت هستند. بنابراین ساخت سد علیه اراده کشور همسایه می‌تواند به عنوان نمادی از همبستگی ملی تاجیکان مطرح شود و حق حیات و تعیین سرنوشت کشور را ترسیم می‌کند. همان‌گونه که ذکر شد، این موضوع در پیوند با موقعیت سیاسی آسیای مرکزی است و در آنجا قلمروداران چارچوب قانونی از طریق اختراع نمادهای ملی، در قالب پیروزی‌های انتخاباتی، نوشته‌های تاریخی، پرچم‌ها و سرودهای مذهبی، پول، پایتخت و بناهای تاریخی ملی ایجاد کردند. تصور می‌شود، نگرانی اصلی حاکمان اقتدارگرای آسیای مرکزی حفظ قدرت است و راه اصلی برای این کار بدون استفاده از نیروی نظامی، بهره‌گیری از نمادهاست، چرا که نمادگرایی نقش مهمی در سیاست‌های منطقه‌ای ایفا می‌کند. نخبگان سیاسی آسیای مرکزی به‌ویژه روسای جمهور تاکید فراوانی بر تولید ایدئولوژی‌های ملی دارند که می‌تواند به مشروعیت آنها بیانجامد و آنها را در حفظ انحصار بر تولید نمادها موفق نماید.

منابع

امیراحمدیان، ب. و ناصری، م. ۱۳۹۲. بحران آب در آسیای مرکزی: با تأکید بر مناقشه کشورهای منطقه بر سر مسئله آب. فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۶(۱۲): ۱-۲۰.
حافظ‌نیا، م. ۱۳۸۱. جغرافیای سیاسی ایران. انتشارات سمت.
درخور، م. و فرجی‌راد، ع. و میرهاشمی، ع. ۱۳۹۲. بحران آب و نتایج زیست‌محیطی آن در آسیای مرکزی. فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۶(۱۲): ۴۱-۵۴.
رضایی اسکندری، د. ۱۳۸۹. چشم انداز جهانی بحران آب: مطالعه موردی بحران آب در آسیای مرکزی؛ دلایل و راهکارها. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۷(۶۹): ۵۱-۷۴.
صالح‌آبادی، ر. ۱۳۹۳. بررسی چالش‌های هیدروپلیتیک منابع آب در منطقه ژئوپلیتیک آسیای مرکزی. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۸(۲): ۳۴۷-۳۸۱.
طاهری‌عطار، غ. ۱۳۹۲. طراحی و تبیین الگوی ملت‌سازی پایدار. فصلنامه‌ی پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۲(۷): ۳۴-۶۷.
کولایی، ا. و سلطانی، م. ۱۳۹۲. مسئله آب و روابط کشورهای آسیای مرکزی. فصلنامه سیاست جهانی، ۲(۳): ۷-۳۴.
کاوایی‌راد، م. ۱۳۹۷. جزوه درسی هیدروپلیتیک، منتشر نشده.

- the case of Rogun in Tajikistan. *Nationalities Papers*, 43(3): 479-494.
- Parshin K. 2008. Tajikistan: Citizens Ponder Bleak Future Amid Harsh Winter, *Eurasianet*, January 23, 2008, Accessed April 16, 2016, <http://www.eurasianet.org/node/61697>.
- Parshin K. 2012. Tajikistan: Dushanbe Building Boom Blocks Out Economic Concerns. *Eurasianet.org*, May 1. Accessed October 12, 2012. <http://www.eurasianet.org/node/65340>.
- Roy A. and Aradhana S. 2002. *Dam/age: A film with Arundhati Roy*. Brooklyn, NY: First Run/Icarus Films.
- Schmidt R. 2007. Feasibility study for completion of the Rogun scheme, Tajikistan. *Hydropower & Dams*.
- Shakdam C. 2018. Nation-Building and the politics of state-building: the French example and its limitations. *Al-Bayan Center for Planning and Studies*.
- Skoba L. 2013. Transboundary water management The Rogun Dam in Tajikistan. *Library of the European Parliament*.
- Yerofeyeva N. 2002. Rogunskaya GES v Tadzhikestane budet dostroyena. No dlya etogo nuzhny inostrannyye investitsii. *Rossiyskaya Gazeta*, October. *ROGUN Hydroelectric Power Plant (HPP)*. 2016. www.diplomaticsquare.com/rogun-hydroelectric-power-plant-hpp.
- Bergne P. 2007. *The birth of Tajikistan: National identity and the origins of the Republic*. London: I.B. Tauris.
- Fradchuk A. 2010. "Tajikistan's Energy Dilemma." *Institute for War and Peace Reporting*, February 15. Accessed March 12, 2012. <http://iwpr.net/report-news/tajikistans-energy-dilemma>.
- GARCÉS Fernando. 2014. The World Bank considers feasible the building of the Tajik Rogun dam. *Policy Department, Directorate-General for External Policies. European Parliament*.
- Heathershaw J. and Edmund H. 2013. *The transformation of Tajikistan: The sources of statehood*. ThirdWorlds. London: Routledge.
- Jafarova A. 2014. Uzbekistan criticizes WB report on Rogun HPP. www.azernews.az/analysis/69365.html.
- Kleingeld E. 2016. *The Rogun Dam in Tajik-Uzbek Official Discourse*. Thesis submitted to the Faculty of Humanities Master Russian and Eurasian Studies. Leiden University.
- Kai W K. 2008. Hydro-hegemony in the Amu Darya Basin. *Water Policy*, vol. 10, no 52, Londres, 2008.
- Marat E. 2010. Will Tajikistan Successfully Construct Rogun? . *Eurasia Daily Monitor*, 7(17): (<https://jamestown.org/analyst/erica-marat>).
- Menga F. 2015. Building a nation through a dam: